

خلعت فاخر و اوده اجازت فرمودند که همواره حاجات خلائق و آنچه در سپکا تامل او بکن کراید بوقف عرض فرست
رساند با آنکه دوام اکاسی که میان خود پویشنا به ایست که آنچه بالغ نظران دورین جدا و یک کار را بوزم اجتناب بجای
آورند کیتی خود بیک امور سلطنت را بدان طرز ثنایت به انجام میرسانند لیکن رسیار غیاش از وزی دور پشوی و مزاج
شناسی روز کار و به بود کالی بر دوام چنین شیا حشر لم باشد عا نانشو مطلع سلطان خرد چنانست که فرمان انا
معدلت کزین سبزرگان کثرت ارای بر دیده وری و رسیای خود کفان فرموده یکی از موثمنان نیک ذات حیرتمنی
خصت عرض کردست تا در بین کام هجوم مشاغل و سپهر هستی قوامی غصبی که زمان پلغتر و ان عرصه و انانیت ثنایت
بوقف ابلاغ رساند خدایا تا سایه و آفتابست و سر سزیمی جن ارفیض بحاب این سالار بارگاه تجرد و تعلق بر این
آفاق نور کتس و در **نظم** خدایا ما مراد دست آیمانرا کمنین با پشته خالی جمانرا
فلک چون خاتمش زیر کیمین دار کیدک المرفق آستین دار از سواخ فرو شدن مجاهد پیکت
نیزه خواجه کلان پیک در حد و دومی از مضافات صوبه اجمیر تانند داری نامزد بود و کونر مانسک و پشوی از
دلاوران آن اچی بکنانهای کوشا فته بودند در ببادی محمد الهی را چوتان ان سر مرچ چندی از تنهاریان
نوباد آمده و پست تاراج کشودند ازین دلیری کاسی پذیرفته باریج زودی کجسیده بی سانشکار بر آمد و کارنامه رستمی را
زیر دست ساخته زه کرای سفر و اسپشید و سر مایه کنامی جاوید انداخت مقدم همراه الهی بفرار قلعه اجمیر صعود قبل
نموده غنودگان آن سزیمین رادت مایه رحمت شدند و در حواشی مرقد سید حسین خنک سوار و توقف امرش فرمودند
آن شب تا طهور پرتو خورشید حقیقت شمع الکی افروخته رهنمای سعادت پذیران محفل قدسی ذنب با خلائق کونی و الهی سامعه
افروز بخت و ران پیدار دل کشت و خاطر عارت دوست شناسی چون اختلال مبنای آن حصار آسمانی پایه دراست
کار پردازان رکا سلطنت را اشارت شده که سمت در تعمیر است آن عمارت فرسوده را تا زکرو اندر کتر زمان بخت
و به صورت انجام گرفت پست و دوم همراه الهی از ان خط فیض اساس غنائی بجا بانب میره انعطاف یافت
بطاشر نشاط شکار چهره غنیمت می فروخت لیکن معدلت آریسی و اشطام آن ناحیت و اندوختن مریضیات ایزدی نمان
سمت و الابد و چون آن سزیمین مخیم قبل کشت ضمیمه صواب اندیش در تعیین قافله سالار راه کرایان دیه حجاز توجه فر
دوم آبان الهی میرا تو تراب باین کزیده خدمت سرفراز شد و از سادات سلامی شیراز است جدش سزیمین
الدین سیت الله که بسید شاه میر شهور بود و از علوم کتبی بهره فراوان داشت در زمان سلطان قطب الدین نیزه